

دریاچه

تاریخچه سوزن‌دوزی در ایران

■ هشت هزار سال پیش مردمی که در غار کمر بند

در نزدیکی شهر بهشهر و در کناره جنوبی دریای خزر می‌زیستند به کشت غله و پرورش بز و گوسفند روزگار می‌گذراندند. آنان پشم گوسفندان را می‌چیدند و ظاهراً

پارچه می‌یافتند و کار دوختن را نیز با سوزن‌های

شاخک‌داری که به جا نهاده‌اند انجام می‌دادند.

در همان زمان در غرب فلات (چتل هیوک) واقع در ترکیه امروزی فن بافندگی رواج پیدا کرد و در حفاری‌هایی که در آن منطقه انجام شد نحوه تکامل آن کاملاً روشن شده است.

در آن حفاری‌ها تکه‌هایی چنددست‌بافت که به صورت سنسگوارهای ذغال‌شده بر جای مانده بود و نمونه‌هایی از پارچه‌های مختلفی که به احتمال زیاد از کتان بافته شده بود اما بیشتر شبیه به پارچه‌های پشمی بود و نیز قطعات زری‌دوزی‌شده همانند قالب‌هایی که امروزه هم در این نواحی بافته شده است، پیدا شده است.

کمی بعد باز هم مدارکی دل‌فر بان بافندگی در ایران امروزی در تپه سیلک نزدیک کاشان به دست آمده است که مربوط به دو یا سه قرن پیش است. غیر از این، مدارک بسیاری از جمله دو ک‌های نخریسی یا لنگرهای ریسندگی بیشمار در حفاری‌های سراسر ایران به دست آمده است که موید رواج بافندگی و سوزن‌دوزی در ایران در طول زمان‌های مختلف است.

سرمه‌دوزی یکی از دوخت‌های تزئینی و از هنرهای اصیل و با قدمت ۲۵۰۰ تا سه‌هزارساله ایران است.

این هنر اصیل و زیبا، در ابتدای ظهور تمام موادش دست‌ساز و از جنس طلا و نقره بوده است اما در طول زمان به دلیل گران بودن این مواد و بالا رفتن هزینه‌ها و قیمت تمام‌شده مصنوعات آن عوض شد. در گذشته این دوخت برای تزئین لباس، پرده‌های مجلل تالارها، سر آستین‌ها، یقه حاشیه لباس و روسری، رو رختخوابی و… استفاده می‌شد اما امروزه استفاده از آن گسترش بیشتری پیدا کرده و بر جنبه‌های تزئینی و دکوراتیو آن افزوده شده است.

سوزن‌دوزی‌های سنتنی ایران یکی از روش‌های دیرینه ترین جامه و بسیاری از منسوجات است که به نوعی در زندگی بشر کاربرد داشته و دارد دست‌دوخت‌ها به‌جز جنبه تزئینی و شناسنامه‌ای که در برگیرنده اقلیم و جامعه پدیدآورنده‌اش است در بعضی از اوقات به دلیل عقاید مذهبی روی البسه جلوه‌گری می‌کرد. قبل از اسلام به جز جنبه تزئینی، جنبه طلسم‌گونه آن نیز مطرح بوده است.

در بعضی از ساغراهای مفرعی لرستان که به سبک آشوری است طرح‌هایی روی پارچه لباس دیده می‌شود که نمایانگر نوعی قیطان‌دوزی است که ظاهر آملیه باید باشد.

علی سامی در نشریه بررسی‌های تاریخی در شماره سوم آن اشاره می‌کند که در منطقه لولان منتهالیه شرق ایران چند تنگه میلیه‌دوزی و قلاب‌دوزی پیدا شده که احتمالاً متعلق به دوره اشکانیان است. پس از ظهور اسلام در ایران رودوزی‌های سنتی ایران به حیات تاثیرپذیر خود همچنان ادامه می‌دهند و اگرچه تحولی شگرف در نقش‌های ایرانی پدید می‌آید اما خصوصیات ایرانی بودن خویش را از دست نمی‌دهند. اعتقادات مذهبی هنرمندان در بعضی نقاط وپرهیز از شبیه‌سازی و همانندپردازی سبک جدید از نقش‌مایه‌های باستانی را به ارغمان آورد و این نگرش در مناطق مختلف به‌گونه‌ای کاملاً متفاوت از یکدیگر جلوه‌گری می‌کند. دوختن کلمات قرآنی به خط کوفی برای حفاظت از شر شیطان و حوادث بد، یکی از تاثیرات آشکار در این هنر دیرینه است.

مروغیت پارچه‌های ایرانی و دست‌دوزی‌های هنرمندان ایرانی، اعراب را سخت تحت تاثیر قرار داده بود و همین امر سبب شده بود به تقلید از ایرانیان لباس بپوشند و در دسته و طبقه‌ای لباس مخصوص یافت. در این شرایط است که جامه به عنوان بهترین و بالارزش‌ترین هدیه یا دستمزد، جانشین سایر هدایا شد و این امر نه تنها به جهت مروغیت منسوجات ایرانی است بلکه حاکی از دست‌دوزی‌های ظریف و خیره‌کننده و متنوع آن دوران است.

مروغیت پارچه‌های گلدوزی‌شده ایرانی که در دست است متعلق به دوره سلجوقی است. ایلخانیان و تیموریان برخاف دوره قبل که همگی از شیوه‌های عمده ساسانی پیروی می‌کردند در صنعت نساجی دگرگونی کلملی به وجود آوردند و ابریشم‌دوزی، زری‌دوزی، پولک‌دوزی، میلیه‌دوزی، گلابتون‌دوزی و… بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفت.

با ورود فرهنگ و هنر چینی به‌وسیله مغول، نقش‌هایی از گیاهان و گل‌های متناثر از هنر چینی تبلور می‌یابد اگرچه از آن دوره اثری باقی نمانده است اما «فلیس اگرماس» از روی مینیاتورهای آن دوره سوزن‌دوزی‌ها و گلدوزی‌های آن زمان به‌خوبی توصیف کرده است. در این زمان هنرمندان از طرح‌های مجرایی، لچک تریجی، هندسی برای تزئین پرده‌ها، لباس‌ها، چادرها و… استفاده می‌کردند.

عصر صفوی مثل بسیاری از هنرها، انواع رودوزی‌ها نیز به اوج خود رسید و پیشرفت زیادی کرد تا حدی که باعث قطع نفوذ هنر چینی شد. از نقوش رایج این دوره می‌توان انواع بنه جقه (قهر و آشتی)، گل بادامی، مادر و پچه، بنه ترمه، سه‌قلو، سسر، درخت زندگی دوقلو، به‌حقه شاخ‌گونی، انواع گل‌های اسلیمی و ختایی، شاه عباسی پچیگی، گل اناری، برگی و…) را نام برد.

در عصر شاه عباس از تمام هنرمندان از جمله هنرمندانی که به امر رودوزی‌های سنتی مشغولند برای راهناندازی هنرهای سنتی و قدیمی به اصفهان دعوت می‌شود و صاحبان این مشاغل دارای اعتبار و شهرت اجتماعی بودند و حتی در آن زمان محله‌ای به نام مطرکاران یعنی قلابدوزها معروف بوده است.

مهناب

مهناب در حال دوختن پارچه

مهناب ۷۸سال سن داشت. روزگار و سختی‌هایش خطوط عمیقی بر چهره «مهناب نوروزی» استاد و سوزن‌دوز بین‌المللی بلوچ بر جای گذاشته بود. اما او با این وجود با چشمان تیزبین خود آثار زیبا و به‌یادماندنی هنر سوزن‌دوزی را چنان با ظرافتی به تصویر می‌کشید که بیننده تصور نمی‌کرد این اثر را همین زن ساده روستایی فی‌البداهه آفریده است. هنوز آثار او بر لباس‌های ماندگار و فاخر دوره‌های گذشته در موزه صنایع دستی موزه سعدآباد خوندنمایی می‌کند؛ آثاری که از اجر مالی‌اش همیشه بی‌نصیب مانده بود. او می‌گفت:

عاشق سوزن‌دوزی است و با سختی‌های فراوانش

هیچگاه دست از این حرفه نخواهد کشید.

هنر سوزن‌دوزی با مهناب شناخته شده است. او ده‌ها سال سوزن به دست داشت و سوزن می‌زد و دختران را آموزش می‌داد اما با این وجود او با ۷۸سال سن و ۶۳سال سابقه کار تنها چهارسال بود که سازمان میراث فرهنگی او را بیمه کرده و ۱۰سال هم سابقه کار برایش در نظر گرفته بود.

سختی‌های کار و مشقات نیز موجب شده بود که مهناب سیستان هم به خود سخت بگیرد و با وجود هنر آفرینی او در این زمینه به گفته خودش هیچ نمونه‌کاری برای خودش به یادگار نماند و سوزن‌دوزی اصیل به تن نکرد چراکه او نسبت به اهالی روستایش احساس دین می‌کرد در حالی که همه زنان منطقه به دلیل فقر و محرومیت همه نمونه‌کارهای خود را می‌فروشتند، او چگونه

می‌توانست سوزن‌دوزی‌های اصیل به تن کند. مهناب سوزن‌دوزی را مانند تمامی زنان بلوچ از مادرش فراگرفت. علاقه و استعداد و پشتکارش از او در ۱۶سالگی استادکار متبحری ساخت که آموزش را از همان سال‌ها آغاز کرد؛ مسوولیتی که هنوز با وجود خمیده شدن بدن

تحفیش و عدم توانایی او طی سال‌های گذشته در به دست گرفتن سوزن همچنان به آن اصرار داشت. او در کنار سوزن‌دوزی، به گلدوزی و هنرهای دیگر هم علاقه نشان داده و پیشرفت کرده، اما سوزن‌دوزی را به طور حرفه‌ای ادامه داده است. مهناب در روستای قاسم‌آباد بمپور تنها زندگی می‌کرد. او زندگی مشترکش را هم به سوزن و پارچه دوخت. این سوزن‌دوز ۷۸ساله سیستانی هیچ‌وقت ازدواج نکرد. او می‌گفت: وقتی خواستگار برایم می‌آمد یک تکه پارچه برمی‌داشتم و می‌رفتم توی یک اتاق سوزن‌دوزی می‌کردم. هیچ وقت هم عاشق نشدم چون آن زمان رسم نبود که شوهر را ببینی. فقط باید به حرف خانواده‌ات گوش می‌کردی اما من هیچ وقت دل به هیچ مردی ندادم! خانواده‌ام هم که وقتی فهمیدند دلم نمی‌خواهد ازدواج کنم دیگه کاری به کارم نداشتند. مشهورترین سوزن‌دوز ایران در بامداد ۲۳ تیرماه در سن ۷۸ سالگی درگذشت و سطرهایی که در ادامه می‌آید، گفت‌وگوی منتشرنشده با اوست، زمانی که تار و پود زندگی را به هم می‌زد.

■ ■ ■

■ **چند سال است سوزن‌دوزی را شروع کردی؟**
من از بچگی سوزن‌دوزی می‌کردم و در ۱۶ سالگی هم استاد شدم.

■ **خانواده‌ات با این فعالیت شما مخالفت نمی‌کردند؟**

شاید زنان «طرق‌رود» نطنز از معدود زنانی بودند که عطای مهریه ملکی خود در قلعه طرق رود را به لقایش بخشیدند تا این دژ کهن بار دیگر سر و سامانی یابد و باز هم بماند. این زنان مالکان بزرگ‌ترین بنای خشتی شهرستان نطنز بودند که خانه‌های آنان در سالیان دور و نزدیک توسط همسرانشان یا پدرانشان به عنوان مهریه یا چیزی‌به پشت قبایلشان انداخته شده بود.

زنان طرق، در توافقمه‌ای که در رسانه‌ها نیز منعکس شد به شرط تعمیر و نگهداری اصولی و بجای، از مهریه خود دست کشیدند و این بنای زیبا را به سازمان میراث فرهنگی واگذار کردند. اگرچه در ابتدای تحویل برخی تعمیرات صورت گرفت اما امروز به‌ویژه در روزهای پربارش قدمزدن در این دژ قدیمی توصیه نمی‌شود. اگرچه براساس گفته اهالی طرق رود استحکام دژ در حالی بود که ساکنان این قلعه حدود ۲۰سال پیش آن را ترک کردند.

با وجود کهولت و عمر بالا اگرچه این بنای خشتی بزرگ در نطنز همچنان سرپا ایستاده اما بخش‌هایی از آن دستخوش تخریب و نامهربانی‌های آب و هوا و مسوولان میراث فرهنگی قرار گرفته است. این دژ به رغم داشتن زخم‌هایی در دوره‌های گذشته که حکایت از تهاجمات مکرر، محاصره‌های طولانی دشمن و تخریب و ویرانی بر پیکر خود دارد همچنان مقاوم است. اگرچه ویرانی‌ها و تخریب به وضوح در بخش شمالی قلعه قابل مشاهده است. با وجود همه این همه‌های تاریخی آنچه از شکل کلی و کاربردی این قلعه برمی‌آید این است که این قلعه، کاربردی بیشتر حفاظتی و امنیتی داشته است و چرا به بسا انبارکردن محصولات کشاورزی و ساختار اتاق‌ها و تقسیماتی که در کف و زیرزمین اتاق‌ها صورت گرفته‌اند این قضیه است.

اگرچه شکل و شمایل و معماری متفاوت داخل دژ حکایت از قدمت و پایدایی آن در سالیانی دور دارد اما با این وجود هنوز هیچ باستان‌شناسی راه خود را برای تخمین قدمت و آنچه این دژ در پیشینه خود دارد، کج نکرده است. قلعه طرق رود نیز یکی دیگر از منظومه‌های بزرگ از بناهای تاریخی است که در شهرستان نطنز قرار دارد و گرچه با تمام شاخص‌هایی

آخرین گفت‌وگو با سوزن‌دوز بین‌المللی سیستان و بلوچستان

مهناب سیستان

— شهریار ی



عکس مهناب

خیر، آنها حتی مرا تشویق هم می‌کردند زیرا

سوزن‌دوزی حرفه‌ای رایج در شهرستان ماست و تقریباً تمام زنان و دختران آنجا سوزن‌دوزی می‌کنند.

■ **آیا به سوزن‌دوزی به چشم یک هنر نگاه کردید یا یک شغل؟**

من و بسیاری از زنان و هنرمندان قدیمی بلوچ دوری بدون توجه به بی‌مهری‌ها و عدم توجه مراکز فرهنگی و بدون هیچ چشمداشتی، این هنر را که در شرف انقراض بود، زنده نگه داشتیم و تا جان در بدن دارم به سوزن‌دوزی ادامه خواهم داد. من سوزن‌دوزی را شغل نمی‌دانستم و نمی‌دانم چراکه پول زیادی بابت آن همه زحمتی که روی این هنر کشیده می‌شود، عاید نمی‌شود و درآمد بالایی ندارد و تمام زنان سوزن‌دوز روستای قاسم‌آباد بمپور، سوزن‌دوزی را برای دل‌شان انجام می‌دهند نه برای کسب درآمد. من از کودکی بیشتر به دلیل علاقه به سوزن‌دوزی همه همت و تلاش خودم را روی این کار گذاشتم و پی کسب درآمد نبودم.

■ **با این وجود سوزن‌دوزی منبع درآمدی برای شما بودجه شد.**

محبوب می‌شود؟ خیر، چون با واردات صنایع دستی پاکستانی دیگر به ما سفارش نمی‌دهند و فقط دلانن محلی لباس‌های مختلف سفارش می‌دهند که قیمت دوخت هر یک دست لباس به اندازه ۴۰ متر آن هم در سه ماه ۱۷۰هزار تومان قیمت دارد. به همین دلیل شرایط در آنجا طوری نیست که ما به سوزن‌دوزی به چشم یک شغل یا منبع درآمد نگاه کنیم و فقط این کار را از روی علاقه انجام می‌دهیم.

■ **پس چرا با این وجود هنوز با دلانن کار می‌کنید؟**
در روستای قاسم‌آباد اقتصاد خانوادہ بر دوش زنان بوده است و تاکنون هم ادامه دارد. به طوری که حتی مردان جوان و مجرد روستا اعتراف می‌کنند که یکی از معیارهای انتخاب همسر آینده‌شان آشنایی با هنر سوزن‌دوزی است. اگر زنان و دختران روستای ما بخواهند مستقل و بدون نیاز به حضور واسطه‌ها و دلانن سوزن‌دوزی کنند با مشکل تهیه پارچه و نخ مواجه‌اند. پارچه مناسب برای بلوچ‌دوزی باید با تاروپود مشخص باشد که در بازار به

شدت نایاب است.

■ **در این زمینه آموزش هم می‌دهید؟**

بله، من به جاهای مختلف اطراف شهرستان‌مان می‌رفتم و آموزش می‌دادم. اکنون هم فقط به دختربچه‌ها سوزن‌دوزی را می‌آموزم. در سال ۵۹ به دلیل آنکه لباس سوزن‌دوزی در شهر کاربردی نداشت به ما سفارشات جدیدتری دادند که در آن زمان نیز من سرپرست زنان سوزن‌دوز ابرانشهر بودم.

■ **زنان شهرستان ابرانشهر به غیراز سوزن‌دوزی چه فعالیت‌های اجتماعی دیگری را انجام می‌دهند؟**

زنان و دخترهای روستایی ما به‌جز خانه‌داری و سوزن‌دوزی فعالیت خاص دیگری ندارند زیرا تمام کارهای خانه بر عهده زنان است. اما گلدوزی و سکه‌سازی در این استان رایج است.

■ **کمی در مورد سوزن‌دوزی توضیح دهید.**

در سوزن‌دوزی با نخ از جنس کاموا روی پارچه کار و نقش و نگارهای زیبایی را روی آن حک می‌کنند. مهرها و نقوش آنها هم از پاکستان می‌آید و در ایران نیز خریده می‌شود. برخی از اسامی این نقوش براساس هر حسی که نسبت به چیزی به وجودبیاید انتخاب می‌شود. نقش یانگوم، گوشواره سینا، ۴۰ آدینگ و… از این نوع اسامی هستند. در بیشتر سفارشاتى هم که ما می‌گیریم پارچه و نخ را به ما می‌دهند و ما فقط کار سوزن‌دوزی آن را انجام می‌دهیم.

ساکنان این بنا نیاز به رفت و آمد زیاد از این سوراخ‌ها نداشته‌اند زیرا اگر حتی روزی دو بار هم بخواهند بروند و بیایند باز هم سخت است. خانه‌های پنج طبقه در اگرچه ساختمان‌های این قلعه بیشتر در سه طبقه ساخته شده‌اند، اما در برخی جاها تا پنج طبقه نیز افزایش می‌یابد.

دروازه ورودی این دژ در ضلع غربی قرار دارد. در ورودی در میان دیواری محکم و آجری به پهنای یک متر جای دارد و اتاق نگهبان دژ در بالای آن قرار دارد. این اتاق توسط سوراخی به بیرون دید دارد و نگهبان به راحتی می‌تواند فردی را که بیرون ایستاده شناسایی کند. در ابتدای ورود به حیاط کوچکی وارد می‌شویم که خانه‌هایی در اطراف آن است. در روبه‌رو کوچهای است که چند خانه با اتاق‌های بزرگ در آن است و گویا این قسمت برای سکونت استفاده می‌شده و شبیه به یک‌میهمانسراست.

از در ورودی بسا یک چرخش به سمت چپ یا به کوچه اصلی دژ می‌گزارى. این دژ دارای یک کوچه اصلی است که از جنوب به شمال کشیده شده و راهروهای کوچک فرعی در امتداد غربی به شرقی به این کوچه عمود شده‌اند. انتهای راهروهای غربی معمولاً گود می‌شود به طوری که به طبقه زیرین خانه‌ای که در ته راهرو است، راه دارد. سقف اتاق‌ها به دو صورت خشتی ضربی و چوبی تخت ساخته شده و کاربری‌های متفاوتی دارد.

تنها دو دستگاه سروسوس بهداشتی در دو سمت شرقی و غربی دژ قرار دارد که معماری خاصی از نظر بهداشتی و دفع فضولات دارند. این نیز خود می‌تواند نشانی دیگر برای مسکونی نبودن این دژ باشد. در یک‌سوم انتهای دژ که روی سطحی صاف قرار گرفته، یک میدان کوچک ایجاد کرده‌اند که این دژ را به دو بخش بالایی و پایینی تقسیم می‌کند. در گوشه شمال شرقی این میدان چاهی عمیق وجود دارد که در دل سنگ حفر شده است و روی آن چرخ چوبی چاه قرار دارد. این چاه که به سبکی خاص و با پلان چهارگوش تراشیده شده، احتمالاً برای ورود و خروج اضطراری مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در کنار چاه نیز حوضی چهارگوش در دل سنگ کنده‌اند.

سرزمین

آخرین گفت‌وگو با سوزن‌دوز بین‌المللی سیستان و بلوچستان

مهناب سیستان

— شهریار ی

گزارش خبری

بافندگان ترنج بی‌مهری می‌بافند

■ **مهر:** نمایشگاه فرش دستباف اردبیل در حالی برگزار می‌شود که وضعیت نابسامان هنر ۴۰۰سالهٔ این منطقه به عدم سلاماندهی و ضعف گسترده در مدیریت گرّه خورده و تاکنون نتوانسته جایگاه فرهنگی و شایسته خود را باز یابد.

فرش دستباف اردبیل با رنگ و طرح بومی خود بیش از ۴۰۰سال عمر دارد و با وجود دارا بودن ویژگی‌های منحصربه‌فرد نتوانسته است جایگاه مطلوبی در میان تولیدات سایر استان‌ها از آن خود کند.

امایی توجهی به‌فرش اردبیل که به عقیده کارشناسان برآمده از ضعف برنامه‌ریزی‌ها و عدم برخورد تخصصی با موضوع فرش استان است دلیل بر بی‌کیفیت بودن تولیدات بافندگان این منطقه نیست.

طرح‌های اقتباسی قفقاز، اقتباسی هریس، هندسی، شکسته، انواع ماهی هراتی، گردان اسلیمی و ختایی و شکسته لچک و ترنج‌دار از جمله مهم‌ترین طرح‌های فرش دستباف اردبیل است که در سه حوزه شهری، روستایی و عشایر ایل شاهسون با نقش و رنگ بومی هر حوزه بافته می‌شود.

فرش اردبیل در دوران حکومت صفوی به دلیل توجه ویژه به هنر اصیل منطقه رشد و شکوفایی قابل توجهی داشت که قالی معروف مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی سندااثبات این مدعاست.

رقاق بقعه یا قندیل‌خانه تالاری است که معروف‌ترین فرش اردبیل کف آن را در گذشته می‌پوشانده که امروزه جز عکس کوچک قاب‌شده‌ای از آن باقی نمانده و در حال حاضر اصل این اثر در موزه ویکتوریا‌البرت لندن نگهداری می‌شود، طرح این فرش که گته می‌شود با آینه‌کاری و طلاکاری در سقف تالار نقش شده کاملاً از بین رفته و به جای مرمت سفیدکاری شده است.

یکی از کارشناس میراث فرهنگی اعتقاد دارد قالی اردبیل جفت قالی ایرانی معروف است که متعلق به آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی بوده و در فهرست ۵۰ شاهکار هنری برگزیده جهان رتبه بیست‌ونهم را به خود اختصاص داده است.

یاور دارابی تصریح کرد: قالی اردبیل که پس از بافت در قندیل‌خانه مورد استفاده قرار می‌گرفته یک سند تاریخی است که دارای تاریخ و امضا بوده و در سال ۹۱۸ خورشیدی در سیزدهمین سال پادشاهی شاه‌طهماسب بافته شده است.

وی بیان بیان اینکه تار و پود آن ابریشمی و گرهِ‌های فارسی داشته، افزود: در هر اینچ مربع آن حدود ۱۷×۱۹ گرهِ وجود دارد و برخلاف دیگر قالی‌های مشهور آن زمان، این قالی طرحی آرام دارد و نگاره‌های جانوران و انسان بر آن نقش نشده زیرا برای استفاده در مکانی مقدس بافته شده بود.

دارابی با تأکید به اهمیت تاریخی این اثر یادآور شد: متولیان بقعه به منظور تهیه وجه نقد، یکی از این دو قالی را به کلمبانی «بگلر» و دیگری را به «ایبسنسون» فروختند و یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی کشور از مرزها خارج شد.

این کارشناس معتقد است با وجود اینکه در حال حاضر در حفظ و نگهداری این دو اثر دقت و توجهی دیده می‌شود که مشابه آن نمی‌توانست در خود اردبیل و حتی کشور اتفاق افتد، اما به دلیل اشتباه متولیان و فروش این دو فرش اردبیلی‌ها دیگر نمی‌توانند مهم‌ترین فرش دستباف را در استان خود ببینند.

دارابی با اشاره به افول بافت فرش در عهد قاجار گفت: بافندگان اردبیلی در هنگام جنگ جهانی دوم که فرشهایی در شیروان و سایر مناطق بافندگی قفقاز با رکود مواجه بود با اقتباس از طرح‌های بسیار موفق قفقازی و همچنین نقش‌های تبریز از جمله طرح هراتی مشایخی، گلدانی، ظلال‌سلطانی و ترنج‌دار، شیخ‌صفی و نیز با منابتیست از روش‌های متداول بافت در آذربایجان از قبیل استفاده از گرهِ ترکی و تار و پود پنبه‌ای به هنر فرش‌بافی رونق دادند.

در حالی که اظهارات کارشناس میراث فرهنگی خبر از اجحاف در تاریخ فرش به عنوان یکی از هویت‌های هنری اردبیل دارد، کارشناسان فرش معتقدند طرح‌های مختص این استان نیز همچنان ناشناخته مانده و اجحاف در حق فرش اردبیل مربوط به گذشته نیست.

یک کارشناس فرش این استان با اشاره به قدمت فرش اردبیل، طرح قیچی» را مختص این منطقه دانست و گفت: یکی از مهم‌ترین طرح‌هایی که در اردبیل بافته می‌شود طرح «چیچی قویا» است که اقتباسی از طرح‌های قفقاز و شیروان بوده و در آنجا به نام نقشه پیریدیل معروف است و در حال حاضر به غیر از اردبیل جای دیگری یافت نمی‌شود.

اسد نورزاده افزود: طرح قیچی از اجزای مشخص تشکیل شده است که این اجزاء در همه قالی‌های قیچی، به‌کارگرفته می‌شوند که اصلی‌ترین جزء این طرح، همان طرح قیچی است که اساسا به خاطر شباهت ظاهری‌اش به شکل قیچی به این عنوان موسوم شده است.

وی در ادامه عنوان کرد: طرح گل آینه، اردک و توسبازغا از جمله طرح‌های دیگری است که در این نوع خاصی از نقش فرش به کار می‌رود.

نورزاده یادآور می‌شود نقشهای بسیاری از خلاقیت و هنر بافندگان فرش اردبیل وجود داشته که به دلیل بی‌توجهی به فراموشی سپرده شده و فرش اردبیل با وجود قابلیت‌های بی‌نفسه نتوانسته است مانند تولیدات استان‌های سرشاسن در زمینه فرش عرض اندام کند. مشکلات فرش اردبیل زمانی بیشتر عیان می‌شود که وضعیت فرش دستباف اردبیل در بازارهای داخلی و خارجی و میزان تاثیرگذاری آن در اقتصاد منطقه ارزیابی شود.

کارشناسان معتقدند جایگاه فعلی فرش اردبیل در بازارهای فروش از آن رو قابل قبول نیست که بازار فرش، اردبیل را نمی‌شناسد و خروجی نمایشگاه‌های فرش در سال‌های گذشته به دلیل استقبال اندک تولیدکنندگان و شهرناتن نتوانسته از بار منفی این گمنامی بکاهد.